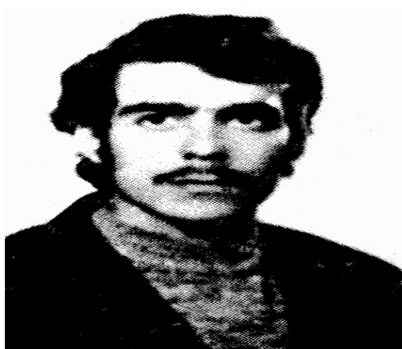


به نقل از : ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۱۳ ، بهمن ماه ۱۳۹۳

از کارگران چریک فدائی خلق بیاموزیم !

رفیق یوسف زرکاری



کارگر کمونیست رفیق یوسف زرکاری همچون بقیه کارگران چریک فدائی خلق نه تنها زندگی اش بلکه چگونگی مرگش هم در خدمت ارتقاء آگاهی کارگران و توده های ستمدیده قرار داشت. این رفیق رنجبران و ستمدیگان که برای رهایی طبقه کارگر از قید سلطه جهانی بورژوازی سلاح برگرفته و به سازمان چریکهای فدائی خلق پیوسته بود در تاریخ ۱۷/۱۱/۵۲ در خیابان چهارباغ اصفهان ، در محاصره نیروهای سرکوب رژیم شاه قرار گرفت و وقتی که متوجه شد امکان گریز از محاصره "مرغان ماهیخوار" وجود ندارد با قاطعیت و شهامت به ماموران سرکوبگر رژیم حمله نموده و ضمن از پای در آوردن یکی از آن ها و مجروح نمودن دیگری تا آخرین گلوله جنگید و در این نبرد نابرابر به شهادت رسید. به گزارش سازمان چریکهای فدائی خلق که در همان زمان منتشر شد این درگیری بر مردمی که شاهد جسارت و برخورد شجاعانه رفیق زرکاری با نیروهای مسلح شاه بودند تأثیر بسزائی گذاشت و بار دیگر شکست پذیری قدرت رژیم وابسته به امپریالیسم شاه را در مقابل مردم به نمایش گذاشت.

یوسف در دی ماه سال ۱۳۳۱ در یک خانواده کارگری به دنیا آمد. ۹ ساله بود که پدرش درگذشت و او مجبور شد برای تأمین مخارج خانواده خود از همان سالهای کودکی به کارگری بپردازد. کار در کارخانه، واقعیت استثمار را به طور عینی به رفیق نشان داد. او از یک طرف زندگی مشقت بار طبقه کارگر را می دید و از طرف دیگر درآمد افسانه ای باد آوردهی صاحبان سرمایه را ، و همین واقعیت ها بود که ضرورت عصیان علیه نظام موجود را در ذهن وی بارور می ساخت. از این رو علیرغم کمی سن به گروه مارکسیستی رفیق احمدزاده پیوست تا همراه با رفیقان دیگرش علیه نظم ظالمانه حاکم گام های هر چه بلند تری بردارد. پس از آن که اولین گلوله علیه رژیم حاکم در سال ۱۳۴۹ در جنگل های سیاهکل، از سلاح چریکهای فدائی خلق شلیک شد و تحولی کیفی در مبارزات خلق ما به وجود آورد، رفیق یوسف زرکاری از اولین کارگرانی بود که با شور و شوق تمام همه انرژی انقلابی خود را در خدمت گسترش انقلاب مسلحانه ی ایران قرار داد.

رفیق پس از مدتی فعالیت، در شهریور ماه سال ۱۳۵۰ در شرایط خفقان آن زمان، به وسیله سازمان منفور امنیت دستگیر شد. مزدوران جنایتکار، طبق معمول رفیق را به زیر شکنجه بردند. آن‌ها تصور می‌کردند که می‌توانند دهان این فرزند راستین خلق را بگشایند و اسرار خلق را از زبان او بیرون بکشند. ولی تصورشان باطل بود. رفیق با تکیه به ایمان و صداقت انقلابی خود دست به صحنه‌سازی در مقابل دشمن زد و چنین وانمود کرد که یک عنصر ساده‌ی سیاسی است و در حالی که در تمام مدت بازداشت که با شکنجه‌های وحشیانه نیز همراه بود، کینه و نفرت بی‌حدش را به دشمن در دل خود حفظ می‌کرد، توانست ماهرانه دشمن را خام کند. او بعد از یک سال از زندان آزاد شد و با پیگیری و پشتکار زیاد توانست دوباره با سازمان "چریک‌های فدائی خلق" ارتباط بگیرد. رفیق یوسف پس از ارتباط با سازمان، تجارب یک ساله‌ی خود را در زندان، در کتابی نوشت که به نام "خاطرات یک چریک در زندان" منتشر شد. این کتاب حقایق بسیاری را از وضع زندان‌های شاه و مأموران سازمان امنیت بازگو می‌کند و نشان می‌دهد که قدرت رژیم علیرغم همه تبلیغات درباره‌ی آن، در مقابل قدرت ایمان و اراده‌ی فرزندان راستین خلق، چقدر پویشالی و زبون و ناتوان است.

رفیق یوسف زرکاری از اولین کارگران آگاه و مبارز تشکیل‌دهنده‌ی صفوف چریک‌های فدائی خلق بود. کارگر کمونیستی که به صفوف این تشکل پیوست تا بتواند به وظیفه‌ی انقلابی خود در قبال طبقه‌ی خویش و مردم رنج‌دیده‌ی ایران، به بهترین وجه جامه‌ی عمل بپوشاند. تلاش‌ها و جانفشانی‌های کمونیست‌هایی چون رفیق یوسف بود که باعث هواداری کارگران مبارز از چریک‌ها شد و همگان شاهد بودند که چگونه کارگران در شرایط انقلاب و قیام دسته‌دسته به حمایت از سازمان آن‌ها برخاستند. این واقعیت نشان داد که در شرایط ایران که دیکتاتوری بر آن حاکم است پیشرو مسلح توانسته است با تاثیرگذاری عمومی بر مبارزات کارگران و روح و روان آن‌ها شرایط ارتباط کمونیست‌ها با کارگران را تسهیل ساخته و امکان تماس مستقیم را فراهم نماید. این تجربه والا و بسیار پر اهمیت برای جنبش کمونیستی ایران با تلاش‌های بی‌دریغ و فداکاری‌ها و با خون کمونیست‌هایی چون رفیق کارگر یوسف زرکاری حاصل شده است. یادش گرامی باد.